

پرده قره‌های

آغاز رسمی اکران «قهرمان» فرهادی

فیلم سینمایی «قهرمان» که قرار بود همراه با «گشت ۳» اکران شود تا شروعی تازه برای رونق سینما در دوران کرونا باشند، در روز نخست با اکران در ۸۰ سالن سینما بیش از ۳۰۰ میلیون تومان بلیت فروخته‌است.

به گزارش ایسنا، «قهرمان» و «گشت ۳» جدیدترین ساخته‌های اصغر فرهادی و سعید سهیلی قرار بوده به‌عنوان دو فیلم مخاطب‌پسند برای رونق بخشی به گیشه کرونا زده سینما از پنجم آبان ماه اکران شوند، اما با وجود اینکه فیلم سعید سهیلی پروانه نمایش دارد، دست‌اندرکاران جدید سینما اجازه اکران آن را تاکنون نداده‌اند و دلیل این اتفاق هم حضور بازیگری است که از چندی قبل به خارج از کشور مهاجرت کرده و از این جهت نگرانی‌های بابت بروز حاشیه از اکران

این فیلم در اولین روزهای مدیریت جدید سینما مطرح می‌شود.

البته در این مورد سازمان سینمایی تاکنون هیچ توضیح رسمی ارائه نکرده‌است.

با این حال سعید سهیلی که معلوم نیست فیلمش مهر توقیف خورده یا مشمول گذر زمان برای اکران در وقتی دیگر شده‌است، فعالیت رجیح داده در این باره سکوت کند ولی همزمان با آغاز اکران فیلم «قهرمان» در صفحه شخصی خود در اینستاگرام برای اصغر فرهادی نوشته‌است: «هیچ من و تویی به اندازه «ما» مهم نیست، هیچ آمدن و نیامدنی به اندازه «ماندن» مهم نیست، هیچ سکوت و صدایی به اندازه «همصدایی» مهم نیست، هیچ حب و بغضی به اندازه «همدلی» مهم نیست، هیچ امیر و سفیری به اندازه «مردم» مهم نیست، هیچ ناخدا و کدخدایی به اندازه «خدا» مهم نیست و هیچ فیلمی به اندازه «سینما» مهم نیست. خوش آمدی قهرمان، چراغت تابان سینما.»



به این ترتیب فیلم «قهرمان» بدون «گشت ۳» اکران خود را به صورت رسمی در نزدیک به هشتاد سینمای کشور از چهارشنبه، پنجم آبان ماه آغاز کرده‌است. این فیلم که نماینده سینمای ایران در اسکار است، یک روز زودتر نمایش خود را در شهر شیراز آغاز کرده و بر اساس بلیت‌های فروخته‌شده تاکنون -طبق اعلام سامانه مدیریت فروش و اکران سینما (سمفا) و فروشش به بیش از ۳۰۰ میلیون تومان رسیده‌است.

در شرایطی که کرونا بسیاری از سالن‌های سینما را تعطیل و سینماهای تک سالن را با خطر ورشکستگی روبرو کرده، بسیاری از سینماداران امید دارند که اکران فیلم‌هایی همچون «قهرمان» و «گشت سه» به‌ار گشایی سالن‌های تعطیل شده منجر شود و اکنون که اکران «قهرمان» به صورت رسمی ساعتی است آغاز شده نشان می‌دهد که تعداد سالن‌های بیشتری فعالیت خود را برای نمایش این فیلم نسبت به ماه‌های گذشته از سر گرفته‌اند.



نقاش زاده‌دیر چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر شد

رئیس سازمان سینمایی کشور طی حکمی مسعود نقاش زاده را به سمت دبیر چهلمین دوره جشنواره فیلم فجر منصوب کرد.



مسعود نقاش زاده کارگردان، استاد دانشگاه و از مدیران فرهنگی و سینمایی کشور است. وی دارای درجه دکترا ی مطالعات هنر، کارشناسی ارشد سینما و کارشناسی کارگردانی فیلم است، و سابقه مدیریت به عنوان معاون فرهنگی بنیاد سینمایی فارابی، مدیر کل امور برنامه‌ها و مشاور عالی مرکز سیما فیلم، معاون آموزش و پژوهش خانه سینما، و معاون تأمین و تولید موسسه رسانه‌های تصویری را داشته‌است.



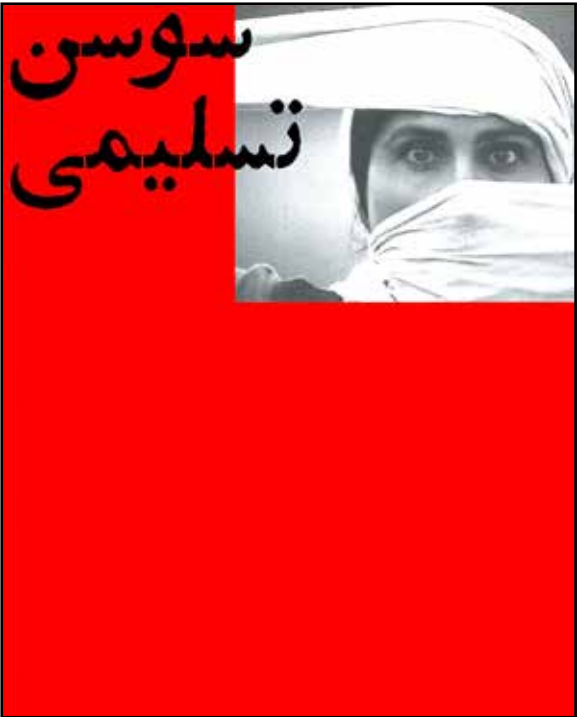
احسان زبور عالم

نوشتن تاریخ شفاهی در سال‌های اخیر فراگیر شده‌است و ثبت و ضبط خاطرات و زندگی شخصیت‌های مهم تاریخی و فرهنگی در میان ناشران محبوبیت خاصی پیدا کرده‌است. اشکال نوشتن و انتشار این آثار نیز متفاوت بوده و چندان نویسندگان از یک شیوه ثابت بهره نبرده‌اند. برای مثال در کتاب ناصر فکوهی با محوریت شخصیت جلال ستاری، نوشتار براساس خط سیر تاریخی و با رویکردی نسبتاً روانکاوانه است. فکوهی در هر پرسش تلاش می‌کند رگه‌ها و ریشه‌های رویدادهای زندگی ستاری را کاوش کند. برخی نیز رویکردی روایتگرانه بر گزیده‌اند تا جایی که نقش مصاحبه‌گر از کتاب حذف می‌شود، همانند کتاب محسن آزر م با محوریت شخصیت بهمن فرمان‌آرا. اما انتشار تو کتاب پیاپی از محمد عبدی با دو عضو سابق کارگاه نمایش،

تجسیمی

نگاهی به کتاب «سوسن تسلیمی»

همان همیشگی



باین حال بهتر است به کتاب سوسن تسلیمی بپردازیم. کتابی که برخلاف کتاب رضا قاسمی، کاملاً بر اساس روال تاریخی پیش‌رفته‌است. از کودکی تا روزهای نهایی ضبط گفتگو، سوسن تسلیمی در گفتگو چندان بالا و پایین نمی‌کند، در زمان و مکان سفر نمی‌کند و تنها هر از گاهی میان آنچه در گذشته رخ داده و آنچه مورد بحث است، پل می‌زند، آن هم محدود و مشخص. همانند داستان هنرنمایی مادرش و آن جایزه‌ای که در کودکی در غیاب او می‌گیرد و تقابلش با رابطه خویش و دخترش. شاید رضا قاسمی پایان این موضوعیت باشد. بخش جذاب کتاب هم همین باشد. نگاهی به دوران رشد سوسن تسلیمی و چگونگی حرکت او به سوی موفقیت در وطن. جایی که او از ریشه‌های هنری و فرهنگی خود می‌گوید؛ از اینکه چگونه آزادی نسبی درون خانواده‌گی به او کمک کرده تا به اهداف هنری خود دست یابد. کافی است شرایط خانوادگی رضا قاسمی را با سوسن تسلیمی قیاس کرد

آن گفتگو نیز به زبان آورده‌است. مشکل مهم‌تر آن است که عبدی از همان مستند تلویزیونی فراتر نمی‌رود. عموماً او در برابر گفتگو شونده منفعل است. اطلاعاتی بیرونی به گفتگو اضافه نمی‌کند و حتی در برخی موارد تسلیمی اطلاعات او را تصحیح می‌کند البته صداقت محمد عبدی در این باره ستودنی است.

در گفتگوی تسلیمی آنقدر که از شیوه فکری و هنری او انسیان می‌توان برداشت کرد، درباره سوسن تسلیمی نمی‌شود به استنباط‌های قاطعی دست یافت. کتاب در حد همان خط سیر فعالیت هنری تسلیمی باقی می‌ماند. حتی چندان تاریخ را نمی‌کاود. زمانی که کتاب به دوران درناک بیکاری‌های تسلیمی می‌رسد، با یک سکوت عجیب همراه می‌شود. در مقام خواننده تمایل دارم اطلاعات ناب‌تری از وضعیت سینما و تئاتر دهه شصت از منظر سوسن تسلیمی کسب کنم و کتاب این مهم را به مخاطب نمی‌دهد. برای مثال درباره آدم‌هایی

چون محمود فرهنگ و فخرالدین انوار، با اینکه موقعیت دراماتیکی در بطن داستان حس می‌شود، عبدی با بی‌سلیقگی از آن می‌گذرد. حتی اگر تخصص محمد عبدی را سینما در نظر بگیریم، درباره فیلم‌ها و شیوه کار و تولید هم سرسری می‌گذرد. می‌توان فهمید برای عبدی یا شاید تسلیمی، بهرام بیضایی بسیار مهم‌تر از علی ژکان است. با اینکه در گفتگو تسلیمی درباره اهمیت نقش خود در «مادیان» می‌گوید؛ اما سرعت عبور از فیلم بسیار است. این مسأله در باره سرداران هم رخ می‌دهد. بدتر آنکه عبدی اطلاعات خوبی درباره نمایش‌های تسلیمی در کارگاه نمایش و سپس در چهار سوندار. بدون دانستن درباره نمایش‌ها و چگونگی اجرا شدن هایشان با اینکه می‌شد با مرور مجلات تماشا حداقل اطلاعاتی درباره آنها کسب کرد به سادگی از کنارشان می‌گذرد. برای همین شیوه کار آربی او انسیان در کتاب برجسته می‌شود.

آثار محسن وزیری مقدم در ساتبیز لندن به تماشاست

میدانی همراه است و البته معتقد هستم که همه هنرمندان در همه ژانرها تحقیقات خود را برای انجام کارشان انجام می‌دهند. من یک منظومه جغرافیایی تعریف کرده‌ام که از رشته کوه زاگرس شروع می‌شود و تا گناوه و بوشهر می‌رسد و این جغرافیایی است که در چند سال اخیر روی آن کار می‌کنم. عناصر بصری، اطلاعات و زیبایی‌شناسی آن منطقه را کشف می‌کنم و کارهایم را پیش می‌برم. حسن زاده ادامه داد: عنوان این نمایشگاه «غنائم استعماری» است که خود به دو بخش تقسیم شده‌است. یک بخش از آن «غنائم طبیعی» است که به عکس‌های گیاهان ایرانی در آن باغ اختصاص دارد. بخش دیگر «غنائم مصنوعی» است که مربوط به عکس‌های اشیایی است که کارگران بازنشسته شرکت نفت جمع‌آوری می‌کردند. این اشیاء مربوط به وسایل الکترونیکی انگلیسی‌ها بود که کارگران ماهر با آن‌ها کار می‌کردند و چون کارگران عقیده داشتند که انگلیسی‌ها نفت ما را برده، تا جایی که می‌توانستند از این لوازم الکترونیکی شرکت نفت جمع‌آوری می‌کردند. او درباره

نمایشگاه آثار محمد حسن زاده با عنوان «غنائم طبیعی» در گالری آبر گزار شد. حسن زاده در گفت‌وگو با هنر آنالاین درباره شکل‌گیری این مجموعه گفت: من ایده‌های مختلف را دنبال می‌کنم و بیشتر روی جغرافیای سرزمین کار می‌کنم. با توجه به اینکه اهل گچساران در جنوب غربی ایران هستم و این منطقه از حاشیه‌های صنعت بزرگ نفت محسوب می‌شود، تمرکز م در چند سال اخیر روی نفت است. حسن زاده ادامه داد: نوع کار کردن من با تحقیق و پژوهش میدانی همراه است و البته معتقد هستم که همه هنرمندان در همه ژانرها تحقیقات خود را برای انجام کارشان انجام می‌دهند. من یک منظومه جغرافیایی تعریف کرده‌ام که از رشته کوه زاگرس شروع می‌شود و تا گناوه و بوشهر می‌رسد و این جغرافیایی

برپایی نمایشگاه «غنائم طبیعی» در گالری «ا»

است که در چند سال اخیر روی آن کار می‌کنم. عناصر بصری، اطلاعات و زیبایی‌شناسی آن منطقه را کشف می‌کنم و کارهایم را پیش می‌برم. حسن زاده ادامه داد: عنوان این نمایشگاه «غنائم استعماری» است که خود به دو بخش تقسیم شده‌است. یک بخش از آن «غنائم طبیعی» است که به عکس‌های گیاهان ایرانی در آن باغ اختصاص دارد. بخش دیگر «غنائم مصنوعی» است که مربوط به عکس‌های اشیایی است که کارگران بازنشسته شرکت نفت جمع‌آوری می‌کردند. این اشیاء مربوط به



دارم که بسیار مقاوم است و تاریخچه آن به قرن‌ها قبل برمی‌گردد. کانسپت این کار آن است که گیاه و زمین ناظر آن تبادل غنائم طبیعی و مصنوعی بین ایرانی‌ها و انگلیس‌ها بودند.

وسایل الکترونیکی انگلیسی‌ها بود که کارگران ماهر با آن‌ها کار می‌کردند و چون کارگران عقیده داشتند که انگلیسی‌ها نفت ما را برده، تا جایی که می‌توانستند از این لوازم الکترونیکی برداشته و جمع‌آوری می‌کردند. او درباره بخش دوم نمایشگاه که «لایه‌های سطح» نام دارد گفت: در این بخش توجه من به لایه اولیه زمین است که در حال نابودی است. این ۲۶ اثر با نفت و مرکب طراحی شده‌اند. همچنین ۳۰ طراحی از یک گیاه وحشی در جنوب ایران دارم که بسیار مقاوم است و تاریخچه آن به قرن‌ها قبل برمی‌گردد. کانسپت این کار آن است که گیاه و زمین ناظر آن تبادل غنائم طبیعی و مصنوعی بین ایرانی‌ها و انگلیس‌ها بودند.